

دور نمایی وضعیت گروه های تندرو در سال ۲۰۱۵ در افغانستان

علی قادری

سرمقاله

زنگ خطر حضور داعش در افغانستان

حفیظ الله زکی

ایمن روزها گزارش های حضور و فعالیت داعش در برخی از ولایات کشور و از جمله در ولایت های هلمند، غزنی، ارزگان و سرپل در رسانه های همگانی منتشر می شود. این گزارش ها بدون شک مردم افغانستان را که بیش از دو دهه را در خوف و وحشت گروه طالبان و شبکه حقانی و شبکه القاعده به سر برده است؛ نگران می سازد.

مردمی که هنوز از درگیری با گروه طالبان و شبکه حقانی نجات پیدا نکرده اند، اکنون باید با یک گروه به مراتب خشن تر و دهشتناک تر دیگری به نام داعش دست و پنجه نرم کنند. این خطر با توجه به زمینه فضای فرهنگی، عقیدتی و اجتماعی که در افغانستان وجود دارد، از همان آغاز ورود گروه داعش در خاورمیانه احساس می شد؛ اما مقامات امنیتی کشور بارها حضور داعش را در این کشور رد کرده و امکان فعالیت آن گروه را در افغانستان بعید می دانستند.

تحلیل بسیاری از کارشناسان خارجی نیز با توجه به تفاوت های عقیدتی که میان گروه های تندروی موجود در افغانستان و گروه دولت اسلامی یا داعش وجود دارد، تسلیم شدن گروه طالبان و شبکه حقانی یا داعش را مردود می دانند. ولی در حال حاضر گزارش های مؤتیق وجود دارد که از فعالیت گروه های ناشناخته و سیاه پوش در مناطق مختلف حکایت دارد. این گروه ها حد اقل از لحاظ ظاهری و شیوه های جنگی تلاش می کنند، تا مشابه آنچه که گروه داعش در سوریه و عراق عمل کرده اند، عمل کنند، اما این که آیا این گروه ها واقعا ارتباطی با گروه داعش دارد یا نه، هنوز معلوم نشده است.

ایمن فرض که گروه دولت اسلامی مانند شبکه القاعده در افغانستان حضور پیدا کنند، حداقل در شرایط فعلی دور از تصور به نظر می رسد؛ ولی فعالیت گروه های تندروی داخلی به نام داعش و تقلید کردن باورها و رویه های آن گروه، زیاد دور از ذهن هم نخواهد بود.

به هر حال مسئولان امنیتی بجای این که گزارش های مربوط به فعالیت داعش در افغانستان را به کلی رد کنند، بایستی به صورت دقیق مراقب حرکت ها و باورها گروه های مخالف مسلح دولت در ولایت های گوناگون باشند. احتیاط حکم می کند که فعالیت احتمالی گروه داعش را جدی گرفته و نسبت به آن با وسواس و دقت کافی برخورد شود.

کشور، برداشت های خشک، محدود و جاهلانه از دین، فقر، بیچارگی و بیکاری مردم و بخصوص جوانان کشور و فقدان حکیمت سیاسی در بسیاری از مناطق افغانستان زمینه را برای هرگونه فعالیت های هراس افکنانه و خشونت آمیز مهیا کرده است. این گروه ها برای نام و نشان بیشتر و جلب توجه مردم و به ویژه جوانان به آسانی می توانند فعالیت های خود را تحت عناوین گوناگون سرورسان دهند. ما در سالهای گذشته نیز شاهد چنین تغییراتی در نامها و عناوین گروه های مختلف بودیم. نزدیکی با داعش و باورهای این گروه ها و رشد نمودن در بستر های مشابه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی این امکان در فراهم ساخته است، تا آنها از فعالیت تحت نامهای گوناگون دینی یا نداشته باشد.

برداشت متفاوت و بسته ای که برخی گروه های جهادی از اسلام ارائه کرد، در سال های پس از دوره جهاد زمینه پیوستن بسیاری از مردم به گروه طالبان را فراهم نمود. از این که گروه طالبان می خواست همان تفکر خشک را با شدت و خشونت بیشتر در افغانستان پیاده سازد، مردم نا آگاهانه طالبان را منجی خود دانستند و به آسانی به آن گروه ملحق شدند و از آنها حمایت کردند.

امروزه نیز همین خطر به شدت محسوس است. اگرچه ما حضور اعضا و رهبران گروه دولت اسلامی (داعش) را در کشور رد نمیکنیم؛ اما به هیچ وجه نمی توانیم اطمینان داشته باشیم که گروه های موجود با توجه به نام و آوازه داعش و امکان جلب توجه جوانان احساسات، روزی جنگ شان را تحت نام و لوای داعش در افغانستان ادامه ندهند. پس باید بیشتر مراقب باشیم.

مقامات پاکستانی گفته اند که فعالیت شبکه حقانی را متوقف می کند. در عین حال، خبر ها حاکی از آن است که گروه داعش در افغانستان جا باز کرده است و در برخی ولایت ها فعالیت دارد. یک خبر مربوط به متوقف کردن شبکه تروریستی است که در چند سال اخیر بیشترین حملات انتحاری را در افغانستان سازماندهی کرده است و خبر دیگر در مورد آغاز فعالیت های گروه تروریستی داعش است که در سال ۲۰۱۴ هیولایی مرگ شده بود و روزانه جان افراد زیادی را می گرفت. این دو خبر نگارنده را بر آن داشت تا دورنمایی از وضعیت گروه های تندرو را در سال ۲۰۱۵ به بررسی بگیرد.

همه کشور های اسلامی به گونه ای با مسئله بنیادگرایی دست به گریبان است. کمتر کشوری اسلامی وجود دارد که بنیادگرایی خطری برای فروپاشی جامعه و دولت شان محسوب نشود. عراق، سوریه، عربستان و تمام کشورهای عضو اتحادیه عرب با گروه های مختلف بنیادگرایی و مهمترین آن ها یعنی داعش در مبارزه است. ازبکستان با جنبش اسلامی ازبکستان به عنوان یک گروه بنیادگرا دست به گریبان دارد. تاجیکستان اگر چه گروه «خیزش اسلامی» را توانست وارد ساختار حکومت نماید اما همچنان گروه های دیگری این کشور را تهدید می کند. پاکستان و افغانستان با گروه طالبان و شبکه القاعده مبارزه دارد. همه کشورهای اسلامی به نوعی با بنیادگرایی وارد مبارزه است. اما دیدگاه واحد و مشترک در مبارزه با بنیادگرایی میان کشورهای اسلامی وجود ندارد. کشورهای اسلامی در عین حالی که با گروه های بنیادگرا در مبارزه است، تلاش دارد از این گروه ها

در راستای تأمین منافع خود علیه کشور دیگری استفاده نماید. با این وجود، امیدواری کمتری دیده می شود که در سال های آینده دیدگاه مشترک در مبارزه جدی علیه بنیادگرایی شکل بگیرد. نه تنها دیدگاه مشترک به وجود نمی آید، بلکه دگرگونی در مناسبات قدرت های بزرگ باعث تقویت گروه های بنیادگرایی نیز می گردد. نوشتار کنونی با توجه به رویداد های بین المللی سعی بر آن دارد تا مسئله بنیادگرایی در سطح کلان و افغانستان در سطح خرد را به بررسی بگیرد. در سال ۲۰۱۴ مهمترین مسئله در سطح بین الملل اختلاف میان غرب و روسیه بر سر مسئله اکرابین بود. این مسئله مناسبات غرب و روسیه را وارد فاز جدید ساخت. روسیه بخشی از خاک اکرابین را ضمیمه روسیه نمود. این مسئله باعث نگرانی غرب شد و غرب تحریم های علیه روسیه را وضع نمود.

این تحریم ها متوجه روسیه شد. روسیه اگر چه ضربات سنگین اقتصادی را متحمل شده است اما تا هنوز از موضع خود در قبال اکرابین کوتاه نیامده است. فشار های غرب بر روسیه باعث شده است که روسیه نیز از گروه های بنیادگرا علیه غرب به عنوان آله فشار استفاده نماید. بدون شک، افغانستان یکی از کشورهای حوزه نفوذ غرب است که روسیه آن را به عنوان مکان اعمال فشار خود بر غرب در نظر گرفته است. آنچه روسیه بر این تصمیم وارد خواهد کرد، فشار های اقتصادی غرب خواهد بود. حد اقل تجربه روسیه در صدد تغییر مناسبات بین الملل نیز می باشد. باور نگارنده بر این است که ادامه مناسبات پر تنش میان غرب و

روسیه تأثیری بدی بر وضعیت افغانستان خواهد داشت. استراتژی مشترک در قبال افغانستان و پاکستان یک روسیه ندارد. آنچه در سال آینده افغانستان را تهدید می کند

روسیه های روسیه با بنیادگراها است. همین منظور به چین سفر نمود. با این حال، اگر چین به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی تلاش خواهد کرد تا با بنیادگرایی وارد گفنگو شود در طرف دیگر روسیه تلاش خواهد کرد تا از گروه های بنیادگرایی به عنوان یک ابزار فشار بر غرب استفاده نماید. گروه طالبان و داعش شاید بهترین آله فشار روسیه بر غرب باشد. حکومت افغانستان اگر چه نسبت به همکاری چین خوشبین است و به احتمال زیاد حکومت افغانستان با پاد میانی چین با گروه طالبان وارد گفنگو و مذاکره خواهد شد. اما حکومت افغانستان هیچ موضعی و برنامه ای در قبال

بنیادگرایی رشد خواهد کرد و نامنی ها در افغانستان افزایش خواهد یافت. بازگر قدرتمند دیگری سیاست بین الملل چین است. چین به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی تلاش خواهد کرد تا با بنیادگرایی وارد گفنگو شود در طرف دیگر روسیه تلاش خواهد کرد تا از گروه های بنیادگرایی به عنوان یک ابزار فشار بر غرب استفاده نماید. گروه طالبان و داعش شاید بهترین آله فشار روسیه بر غرب باشد. حکومت افغانستان اگر چه نسبت به همکاری چین خوشبین است و به احتمال زیاد حکومت افغانستان با پاد میانی چین با گروه طالبان وارد گفنگو و مذاکره خواهد شد. اما حکومت افغانستان هیچ موضعی و برنامه ای در قبال

افغانستان افزایش باید. در پایان باید گفت که حکومت افغانستان در مبارزه با گروه های تندرو و بنیادگرا باید سعی نماید تا با گروه های قدرتمند در سطح بین الملل مناسبات داشته باشد. روابط حکومت جدید افغانستان با چین اقدام مثبت در گفنگو با گروه های تندرو است. اما اگر تنش غرب و روسیه در سال جاری همچنان ادامه پیدا کند، به احتمال زیاد آسیای میانه دیگر گزینه خوبی برای افغانستان نخواهد بود. اما اگر تنش غرب و روسیه در سال جاری همچنان ادامه پیدا کند، به احتمال زیاد آسیای میانه دیگر گزینه خوبی برای افغانستان نخواهد بود. اما اگر تنش غرب و روسیه در سال جاری همچنان ادامه پیدا کند، به احتمال زیاد آسیای میانه دیگر گزینه خوبی برای افغانستان نخواهد بود.

بنیادگرایی تسویه نماید. چین از هم اکنون این کار را آغاز نموده است. هیئتی از گروه طالبان از قطر به چین سفر نموده است تا با کشور چین وارد گفنگو و مذاکره شود. حکومت جدید افغانستان نیز این مسئله را درک نموده است و برای همین منظور به چین سفر نمود. با این حال، اگر چین به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی تلاش خواهد کرد تا با بنیادگرایی وارد گفنگو شود در طرف دیگر روسیه تلاش خواهد کرد تا از گروه های بنیادگرایی به عنوان یک ابزار فشار بر غرب استفاده نماید. گروه طالبان و داعش شاید بهترین آله فشار روسیه بر غرب باشد. حکومت افغانستان اگر چه نسبت به همکاری چین خوشبین است و به احتمال زیاد حکومت افغانستان با پاد میانی چین با گروه طالبان وارد گفنگو و مذاکره خواهد شد. اما حکومت افغانستان هیچ موضعی و برنامه ای در قبال

هر روز و روزمرگی

هانری لوفور / کریستین لویج

قسمت دوم و پایانی

برگردان سولماز حسینیون

مخفی ترین وضعیت است. وضعیتی که برای پاسخگویی به نیازخوانی شکل ها و تنظیم کارکردها ایجاد شده و «هرروز» مبنایی برای جامعه مصرف کنترل شده بر مبنای این شکل گرفته است. یک ویژگی عام بنابراین هرروز یک مفهوم است. برای آن که بتواند به عنوان تصویری غالب که پیوسته بتوان فردی شده ترین، آشکارترین

کنده می بایست برواقعیستی که ترسیم می کند پیروز شود و می بایست بتواند دغدغه های قدیمی درباره کمبودها از «هرروز به ما نان روزانه را بدهید» را از میان ببرد. تا همین اواخر اشیاء، اعمال و بناها یکی یکی ساخته می شد و حیات آنها در رابطه با مراجع اخلاقی و اجتماعی مورد پذیرش یا سبیل ها بود. از قرن بیستم به بعد تمام این مراجع فروریخت، از جمله مهمترین قدیمی ترین آنها یعنی پدر (چه به صورت پدری چه به صورت دوره ای الهی یا انسانی). چگونه می توانیم این شکل گیری خارق العاده و در عین حال به سختی ادراک شده حقایق را در پیسیم؟ فروریزش «امر مقدس» در اخلاق، تاریخ، طبیعت، مذهب، شهرها، فضا، یا حتی فروریختن پرسپکتیو به شکل کلاسیک آن و یا از میان رفتن توانایی در موسیقی... از طریق فراوانی - یک فراوانی برنامه ریزی شده و در برابر آن یک کهنگی و از رواج افتادگی طرح ریزی شده - جایگزین کمبود در جهان اول است. معمار مغرب جهان سوم و در نهایت خود طبیعت... غلبه نشانه ها، جنگ و خشونت فراگیر انقلاب هایی که یکی پس از دیگری رخ می دهند تنها برای این که در میانه قطع شوند یا بر علیه خود شده و به خود پشت کنند... هرروز زمانی که تثبیت شده و محکم می شود به صورت تنها منبع شعور طبیعی و منبع ارجاع قرار می گیرد از سوی دیگر روشنفکران سیستم های مرجع خود را در جای دیگری جستجو می کنند: در زبان و مباحثات یا برخی اوقات در حزب های سیاسی، پیشنهاد در این جا است که بر معنای هرروز از دنیای مدرن، این معصای خونین، رمزگشایی شود. بنابراین مفهوم روزمرگی یک سیستم را ترسیم نمی کند بلکه یک ویژگی است که در سیستم های موجود از جمله قضایی، قراردادی، بهداشتی و آموزشی، مالی و پلیسی مشترک است. چرا باید مطالعه ابتدال خود مبتذل باشد؟ آیا سورتال، خارق العاده، شگفت انگیز

داشته باشند عمل با ساختاری به آن ها القا می شود که به ما اجازه می دهد ببینیم چه چیزی را به اشتراک می گذارند؟ انفعال سازماندهی شده. این به آن معنا است که در فعالیت های تفریحی، انفعال ناظری است که با مناظر و تصاویر روبرو می شود، در محل کار به معنای انفعال در تصمیم گیری هایی است که کارگران در آن هیچ نقشی ندارند، در زندگی خصوصی به معنای تحمیل مصرف است. به این دلیل



این باورند که تجربه زندگی شده نه هم در آن است و به جای تلاش مردم در آن می بایست به حداقل رسیده، محدود شده و راه را برای علم، فن آوری، توسعه اقتصادی و غیره باز کند. برای گروه اول ما پاسخ می دهیم که تغییر مفهوم هرروز نیازمند شرایط خاصی است. شکست و شاکف در هرروز به وسیله فستیوال های «خشن یا صلح طلبانه» - یادگار نخواهد بود. به منظور تغییر زندگی: جامعه، فضا معماری و حتی شهر می بایست تغییر کنند. برای گروه دوم می توانیم پاسخ دهیم که وحشتناک است که «تجربه زندگی شده» «راه» حداقل برسایم، که ساختن ناکارآمدی ارزش های انسانی مجوزی برای تبدیل مجموعه انسان ها به حشرات نیست با توجه به ابزارهای تکنیکی عظیمی که در دسترس ما و خطرات وحشتناکی که در انتظار ما است در این صورت در معرض خطر را کردن انسانیت تنها به منظور ورود به عرصه «فرا انسانیت» قرار می گیریم.



روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد. روزنامه افغانسان بخش درکی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسؤول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکااتورست: خالق علی زاده
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی پورامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۲۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN
The Leading English Language Newspaper